

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

کمونیست کارگری

را بخوانید!

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707



"تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده‌های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده‌هایی که هریک به نحوی علاج‌ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده‌های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان‌پذیری و حتی اجتناب‌ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت‌ها و مشقات و کمبودها و زشتی‌های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان‌ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشمدار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده‌های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هرچیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان‌های بی‌شمار و نسل‌های پی‌درپی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است."

منصور حکمت که بود

حمید تقوایی

زندگی منصور حکمت متفکر و تنوریسین برجسته مارکسیست و رهبر جنبش و حزب کمونیست کارگری از تاریخ این جنبش و حزب در تمامی لحظات و افت و خیزهایش جدا نبود. این نوشته بیوگرافی منصور حکمت و در عین حال تاریخ مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری در ایران است. یادش گرامی و نامش جاودان باد!

ژوئین رازانی در خرداد ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. او دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران گذراند و تحصیلات عالییه خود را در رشته اقتصاد در دانشگاه شیراز پایان رساند. ژوئین در سال ۱۳۵۲ برای ادامه تحصیلات به لندن رفت و در دوره دانشجویی در انگلیس بود که به مطالعه کاپیتال و دیگر آثار مارکس روی آورد.

ذهن نقاد، پرشور، و کنکاشگر وی پاسخ سئوالات پایه ای خود در توضیح حقیقت جهان ناعادلانه و ضدانسانی موجود و راه تغییر آن را در مارکسیسم یافت. انسان‌دوستی و آزادیخواهی عمیق و بی تخفیف ژوئین جوان با نقد رادیکال

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مارکس به سرمایه داری عجیب شد و باین ترتیب منصور حکمت و مارکسیسم منصور حکمت بدینا آمد. این مارکسیسم هیچ تشابه و سنخیتی با مارکسیسم موجود نداشت. کمونیسم نوع روسی و چینی و چریکیسم و سوسیال دموکراتیسم و تروتسکیسم اینها همه نه مبنا و نقطه عزیمت، بلکه خود موضوع مورد نقد کمونیسم منصور حکمت بودند. در برابر این روایات تحریف شده از مارکسیسم، منصور حکمت مستقیماً از مارکس آغاز کرد و اومانیزم و رادیکالیسم را به مارکسیسم بازگرداند. مارکسیسم منصور حکمت منتقد پیگیر ناسیونالیسم، مذهب، دموکراسی و لیبرالیسم و رفرمیسم بود و تمام آن جریانات چپ که به این نظرات آغشته بودند نیز از تیغ برنده این نقد مصون نماندند.

نوعی اعتراض به عقب ماندگی ها و نارسائیهای سرمایه داری در ایران را نمایندگی میکردند. برخی حتی اقتصاد ایران را فئودالی و یا نیمه فئودال نیمه مستعمره میدانستند و معتقد بودند که بخشی از بورژوازی در ایران انقلابی و مترقی است. در نظرات سازمانهایی مثل حزب توده و یا چریکهای فدائی خلق که به سرمایه داری بودن نظام ایران معتقد بودند نیز بخشی از بورژوازی و خرده بورژوازی، مترقی و انقلابی ارزیابی میشد. کل این سازمانها مستقل از تفاوتهاشان در واقع جنبشی را نمایندگی میکردند که حداکثر به کمبودها و نارسائیهای سرمایه و نه به نفس استثمار سرمایه داری، معترض بود. در واقع نیروئی که تحت نام مارکسیسم در ایران فعالیت میکرد، همانطور که بعداً منصور حکمت در مباحث کمونیسم کارگری نشان داد، بخش چپ جنبش

منصور حکمت مستقیماً از مارکس آغاز کرد و اومانیزم و رادیکالیسم را به مارکسیسم بازگرداند.

ملی-مذهبی ضد شاه بود که ربطی به جنبش کارگری و نقد کمونیسم کارگری به سرمایه داری نداشت. و این واقعیت نه تنها در بیربطی آنها به سوسیالیسم و نقد کمونیستی سرمایه و استثمار، بلکه در تمامی عرصه ها و در برخورد به مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی نیز، که به لطف شرایط انقلابی در جامعه هرروزه بعنوان مساله روز مطرح میشد و اذهان را بخود معطوف میکرد، بوضوح قابل مشاهده بود. این چپ در رابطه با حقوق و مطالبات مستقل کارگران، آزادیهای حقوقی و مدنی در جامعه، رهائی زنان، نقد و مقابله بامذهب و ناسیونالیسم، و حتی مطالبات و خواستهای رفاهی برای عموم مردم حرفی برای گفتن نداشت. گرچه مشکل این چپ تئوری و نظرات نبود، بلکه آرمان و افق اجتماعی سیاسی کاملاً غیر کارگری آن بود، با این حال مارکسیسم در ایران در ابتدا میبایست با این شاخه چپ جنبش ناسیونالیست مذهبی ضد شاه تسویه حساب تئوریک میکرد. برای سازمان دادن جنبش سوسیالیستی کارگری در ایران،

چپی که مارکسیسم را به نسخه ای برای ترمیم نظم موجود تنزل داده بود قبل از همه مورد انتقاد این مارکسیسم احیا شده واقع شد.

انقلاب ۵۷ و عروج مارکسیسم انقلابی

اولین آثار منصور حکمت، که امروز جزء کلاسیکهای مارکسیسم ایران محسوب میشوند، به مسائلی اختصاص دارند که انقلاب ۵۷ ایران مطرح کرده بود. انقلاب چپ سنتی را در خیابانها نقد کرد و کنار زد، چریکیسم و مائوئیسم و توده ایسم بطور عملی در جامعه و تجربه انقلاب نقد و طرد شد، اما جنبش کارگری و چپ انقلابی به تئوری و پرچم نظری خود نیازمند بود. اولین نوشته های منصور حکمت پاسخ به این ضرورت بود و دقیقاً به همین دلیل در جنبش چپ و در میان رهبران عملی جنبش کارگری به سرعت نفوذ پیدا کرد. شاخه های مختلف چپ سنتی ایران، از حزب توده تا مشی چریکی و سازمانهای مختلف مائوئیست همه

امپریالیستی"، "جدال بر سر تحقق سوسیالیسم خلقی"، "جنگ، تئوری و تئوری جنگ" و "پوپولیسم در بن بست" در واقع کاربرد این تئوریهها در نقد رژیم اسلامی تازه بقدرت رسیده و سیاستهای ناپیگیر و سازشکارانه چپ سنتی در قبال آنست. این نوشته ها زبان و پرچم کارگران سوسیالیست در دل انقلابی است که از جانب طبقات دیگر، در دولت تازه بقدرت رسیده و اپوزیسیون الکن غیر کارگری آن، به یغما برده شده است.

نوشته های منصور حکمت روشن و منسجم و عمیق و برنده است، نثر شیوا و زنده و روانی دارد و در عین پرداختن به عمیق ترین و انتزاعی ترین موضوعات تئوریک، ساده و مربوط و قابل فهم است. نثر منصور حکمت نیز مانند مضمون نوشته هایش در ادبیات سیاسی ایران بیسابقه و برجسته است.

در دوره انقلاب جامعه انقلابی و پر تلاطم ایران از تندبچهها و نقاط عطف متعددی میگذشت و در هر مورد ارتجاع اسلامی که تحت نام انقلاب بقدرت رسیده بود گام دیگری در سرکوب کارگران و جنبش انقلابی مردم به پیش برمیداشت. مجموعه نیروهای سیاسی چپ سنتی و ناسیونالیست مذهبی خارج از حکومت نیز هر یک بدرجه ای از حکومت جدید دفاع میکردند و یا در هر حال در برابر آن نمی

میبایست ابتدا مارکسیسم از زیر آوار سیاستها و اهداف طبقات دیگر بیرون کشیده میشد. این دیگر با پا بعرضه گذاشتن طبقه کارگر در یک انقلاب عظیم به یک ضرورت عاجل و روز تبدیل شده بود. جنبش کارگری در دل یک انقلاب تئوری و سیاست مستقل خود را میطلبید، مارکسیسم و کمونیسم باید به جنبش کارگری بازگردانده میشد و به این ضرورت تاریخی، منصور حکمت پاسخ گفت. وی در نوشته هائی که در فاصله سالهای ۵۷ تا ۶۱ منتشر شد، با روشنی و انسجام و تیزبینی شگفت آوری نشان داد که بورژوازی ملی و مترقی یک اسطوره است، که کل طبقه سرمایه دار در ایران در دیکتاتوری شاه که ضرورت و علت وجودی آن بیرون کشیدن فوق سود از طبقه کارگر ایران است، ذینفع است. او ثابت کرد که جامعه ایران سرمایه داری است، نشان داد که امر آزادی و رهائی در جامعه ایران به مبارزه کارگران علیه نظام سرمایه داری گره خورده است، و توضیح داد که چرا نیروهای مذهبی و لیبرال مذهبی و ناسیونالیست نمیتوانند و نمیخواهند آزادخواه باشند. منصور حکمت در نوشته هایش رهائی و آزادی و برابری را معنی کرد و راه تحقق آن را نشان داد. مجموعه نوشته های وی در این دوره و بویژه رساله های "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی در ایران"،

"جنبش دهقانی پس از حل امپریالیستی مساله ارضی در ایران"، "دورنمای فلاکت و تئوری مارکسیستی بحران"، و "سه منبع سه جزء سوسیالیسم خلقی" دستگاہ نظری چپ غیر کارگری ایران را در هم کوید و یک سیستم منسجم و رادیکال مارکسیستی را پایه گذاشت که به جریان مارکسیسم انقلابی معروف شد. مقالات سیاسی منصور حکمت در این دوره، نظیر "دو جناح در ضد انقلاب بورژوا

منصور حکمت بود که حقایق را توضیح میداد و به کارگران و نیروهای انقلابی راه مبارزه را نشان میداد. مارکسیسم انقلابی در واقع محل تلاقی و برآیند نقد کوبنده مارکس به سرمایه داری، و مسائل متنوع یک انقلاب زنده در ایران است.

اهمیت و نقش مارکسیسم انقلابی اما تنها به ایران محدود نمیشود. نظرات منصور حکمت برای جریانات مارکسیستی موجود در سطح جهان نیز کاملاً نو و خلاف جریان است. نقد پوپولیسم در ایران نه تنها سیستم فکری قطعیهای جهانی آن، یعنی کمونیسم روسی و چینی و مشی چریکی را نیز در هم میکوبد، بلکه در وجه اثباتی خود و با تاکید بر سوسیالیسم و محور قرار دادن نقد مارکس به جهان سرمایه داری، جریاناتی نظیر تروتسکیسم و سوسیال دموکراتیسم را نیز که در ایران نمایندگی نمیشدند مورد انتقاد قرار میدهد.

مارکسیسم انقلابی منصور حکمت، از زاویه نقد کارگر به سرمایه به بررسی مسائل جامعه و انقلاب ایران میپردازد و از اینرو خصلتی جهانی دارد. منصور حکمت تنها به سرمایه داری در ایران معترض نیست، او منتقد سرمایه داری در پیشرفته ترین شکلش، در کشورهای اروپای غربی و آمریکا است، و آزادی و برابری و رهائی که او برای کارگران و مردم ایران میخواهد آرمان کارگران

جنبش کارگری در دل یک انقلاب تئوری و سیاست مستقل خود را میطلبید، مارکسیسم و کمونیسم باید به جنبش کارگری باز گردانده میشد و به این ضرورت تاریخی، منصور حکمت پاسخ گفت.

در سراسر جهان است. مارکسیسم انقلابی به فارسی و در برخورد به انقلاب ایران مینویسد، اما مارکس را به تاریخ معاصر جهان باز میگردداند. موضع، متد و محتوای نقد منصور حکمت مستقل از موضوعات مورد بخشش نظرات او را جهانی میکند.

مارکسیسم انقلابی

در عرصه مبارزه عملی

مارکسیسم انقلابی تنها یک جریان

فکری نیست. بموازات انتشار نوشته های منصور حکمت و از همان اولین قدم، سازماندهی و دخالت عملی در مبارزات و تحولات جاری در جامعه در دستور کار منصور حکمت و رفقای هم‌رزمش قرار میگردد. در سال ۱۳۵۷ او باتفاق چند تن از رفقایش ابتدا یک محفل کمونیستی با نام سهند و سپس سازمان اتحاد مبارزان کمونیست را تشکیل میدهند. این سازمان ارگانی به اسم "سوی سوسیالیسم" منتشر میکنند و با انتشار نظرات منصور حکمت در این ارگان پیشروترین انقلابیون کمونیست و فعالین جنبش کارگری به مارکسیسم انقلابی و اتحاد مبارزان کمونیست میپیوندند. فعالیت و درگیر شدن در مبارزه کارگران بیکار و انتشار نشریه علیه بیکاری، اعتراض به محدود کردن آزادیها که ارتجاع تازه بقدرت رسیده آغاز کرده است، و طرح خواست آزادیهای بیقید و شرط سیاسی در تمایز از چپ سنتی که آزادی را فقط برای "خلق" میخواهد، دفاع از حقوق زنان در مقابله با تحمیل حجاب از جانب رژیم و در برابر نیروهای چپی که اعتراضات "زنان شمال شهری" را مستحق دفاع نمیدانند، تشکیل محافل مطالعه کاپیتال در میان رهبران عملی جنبش کارگری، دامن زدن به جنبش شورائی و مبارزه برای تشکیل مجامع عمومی کارگری در کارخانه ها، از جمله اولین فعالیتهای عملی مارکسیسم انقلابی است.

ضرورت داشتن برنامه و تشکیل حزب امریست که اتحاد مبارزان کمونیست از همان بلو تشکیل در دستور کار خود میگذارد. یک وجه تلاش اتحاد مبارزان در این دوره فهماندن اهمیت و جایگاه برنامه به دیگر سازمانهای چپ است که هیچیک نه میخواهند و نه میتوانند اهداف و سیاستهای خود را در قالب یک برنامه اعلام کنند. در سال ۱۳۵۹ منصور حکمت برنامه اتحاد مبارزان کمونیست را مینویسد که بعد از رای گیری از همه اعضا بعنوان برنامه این سازمان منتشر میشود. در این برنامه اهداف سوسیالیستی

طبقه کارگر، خصوصیات و نوع دولتی که خواهان آنست و خواستها و مطالباتی که کارگران برای خود و برای بخشهای مختلف جامعه میخواهند اعلام میشود. یکی از وجوه مشخصه دیدگاه و طرز فکر منصور حکمت تلقی او از رفرم و انقلاب و رابطه آنهاست. او یک انقلابی آرمان گرا و پیگیر و سازش ناپذیر است که میخواهد جامعه سرمایه داری را از پایه زیر و رو کند و بشریت را در تمام وجوه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی رها و آزاد سازد، و در همانحال پراتیسن و رهبر عملی است که قدر و اهمیت کوچکترین تغییر و بهبود در زندگی انسانها را میداند و برای تحقق آن مبارزه میکند. در سیستم فکری منصور حکمت و مارکسیسم او نه تنها هیچ

تناقضی میان مبارزه برای رفرم و انقلاب وجود ندارد بلکه این دو، دو وجه متفاوت از یک مبارزه واحد بشمار میروند. او منتقد مارکسیستهای است که یا مانند جریان موسوم به چپ ایتالیا از فرط "انقلابی گری" هر تغییری را در جامعه سرمایه داری ناممکن میدانند و خود را به مبارزه روزمره طبقه کارگر "آلوده" نمیکند و یا نظیر سوسیال رفرمیستهای اروپا تماما از سوسیالیسم دست میشویند و همه افق و آرمان خود را در رفرم خلاصه میکنند. او مارکسیست نوع دیگری است. او هم خواهان محو نظام سرمایه داری است و هم خواهان بهبود هر چه بیشتر وضعیت کارگران و عموم مردم در همین نظام. در نوشته های منصور حکمت از همان آغاز و مشخصا در برنامه

اتحاد مبارزان کمونیست، و همچنین تمام برنامه های حزبی که از آن پس مینویسد، این طرز تلقی از رفرم و انقلاب بطور بارزی بچشم میخورد. در برنامه اتحاد مبارزان کمونیست در کنار اعلام امحای نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم بعنوان هدف فوری کمونیستها، از مطالبه اضافه دستمزد و حق بازنشستگی و ایجاد مهد کودک در کارخانه ها تا حق مسکن و بیمه بیکاری و حقوق برابر برای زنان و ده ها مطالبه مشخص دیگر برای کارگران و زنان و اقشار مختلف جامعه طرح و اعلام میشود. برنامه مبارزه برای این مطالبات را هم از این لحاظ که وضع زندگی مردم را بهبود میبخشند و هم بعنوان پیش شرطهای لازم برای تسهیل مبارزه طبقه کارگر در راه سوسیالیسم ضروری اعلام میکند و در دستور

قرار میدهد. و این خطی است که تا برنامه حزب کمونیست کارگری ادامه پیدا میکند. انتشار برنامه اتحاد مبارزان همه اذهان را متوجه آن میکند. سازمانهای چپ در نوشته هایشان یا آثرا بعنوان یک برنامه "رفرمیستی" رد میکنند و یا آثرا چپ روانه و تروتسکیستی ارزیابی میکنند. اما در بدنه تشکیلاتها و در میان فعالین چپ برنامه سرعت جای خود را باز میکند. در همان دوره یکی از نمایندگان مجلس اسلامی با اشاره به برنامه اتحاد مبارزان بعنوان برنامه یکی از "گروهکهای ضد انقلاب"، آثرا از نظر وعده دادن خواستهای "خیالی و غیر عملی" به مردم و بالا بردن سطح توقعات آنان خطرناک اعلام میکند. نگرانی او کاملا بجاست. امروز مفاد این برنامه خطرناک

نظیر آزادی بیقید و شرط بیان و مطبوعات و جدائی مذهب از دولت به خواست عمومی مردم و حتی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون تبدیل شده است. بخشی از برنامه منصور حکمت امروز پرچم مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی است. با رشد و نفوذ نظرات مارکسیسم انقلابی در جامعه و در جنبش چپ در اکثر سازمانهای چپ، مشخصا پییکار، رزمندگان، فدائی فراکسیونهای طرفدار اتحاد مبارزان کمونیست شکل میگیرد. اما نقطه عطف در گسترش نفوذ مارکسیسم انقلابی روی آوری سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، یک سازمان توده ای و وسیعا درگیر در مبارزه مسلحانه و اعتراضات مردم در کردستان، به این نظرات است. کومه له در پراتیک روزمره اش و در برخورد

در برخورد به جنگ ایران و عراق، در قبال تسخیر سفارت آمریکا، در قبال جنبش ترکمن صحرا و جنبش در کردستان، در برابر یورش رژیم به زنان، به کارگران بیکار، به دانشگاهها و به شوراهای کارگری، و در قبال اختلافات میان جناحهای رژیم این تحلیلهای مارکسیستی منصور حکمت بود که حقایق را توضیح میداد و به کارگران و نیروهای انقلابی راه مبارزه را نشان میداد. مارکسیسم انقلابی در واقع محل تلاقی و برآیند نقد کوبنده مارکس به سرمایه داری، و مسائل متنوع یک انقلاب زنده در ایران است.

به مسائل مشخصی که مبارزه توده ای در کردستان مطرح میکند به ناتوانی و سترونی نظرات پوپولیستیش پی میبرد، و راه حرکت بجلو را در مارکسیسم انقلابی مییابد. "جنبش دهقانی پس از حل مساله ارضی در ایران" و "اسطوره بورژازی ملی و مترقی" گوئی در پاسخ به مشکلات انقلابیون چپ در کردستان نوشته شده است. کنگره دوم کومه له در فروردین ۱۳۶۰ رسما و کتبا نظرات و خط مشی اتحاد مبارزان کمونیست را میپندرد. چند ماه بعد چند تن از رهبران وقت کومه له با رهبری اتحاد مبارزان کمونیست در تهران ملاقات میکنند و در تابستان ۶۰ منصور حکمت، که هنوز این اسم را برنگزیده و در تشکیلات با نام نادر شناخته میشود، به کردستان میروند و در مباحث داخلی کومه له درگیر میشوند. رهبران و کادرهای

کومه له بزودی در مییابند که جوان صمیمی و شوخ طبع و متواضعی که او را نادر مینامند نه تنها در عرصه تئوری بلکه در عرصه سیاست و پاسخگوئی به مسائل عملی جنبش در کردستان نیز نظرانی راهگشا و نو و زیر و رو کننده دارد. او در سال ۱۳۶۰ دو بار به کردستان سفر میکند و در فروردین ۶۱، در شرایطی که یورش وسیع جمهوری اسلامی به انقلابیون چپ با شدت ادامه دارد، باتفاق رهبری اتحاد مبارزان کمونیست تصمیم میگیرند که به مناطق آزاد کردستان بروند.

۳۰ خرداد ۶۰ نقطه عطفی در سیر تحولات سیاسی علی العموم و مشخصا در جنبش چپ در ایران است. رژیم تازه بقدرت رسیده که تا این مقطع در عقب راندن و بشکست کشاندن کامل انقلاب ناتوان مانده است دست به سرکوب همه جانبه و وحشیانه ای میزند که از نظر ابعاد جنایت و توحش در تاریخ معاصر بیسابقه است. این سرکوب سیر رشد و اشاعه مارکسیسم انقلابی را در جنبش چپ ایران قطع میکند. در دوره بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ به لطف انقلاب عملا فضای باز و شرایط نیمه دموکراتیکی در جامعه ایجاد شده که امکان میدهد مارکسیسم انقلابی و نظرات منصور حکمت در جامعه راه باز کند و به گرد خود نیرو جمع کند. از سوی دیگر در همین دوره چپ سنتی رو به اضمحلال میروند. حزب توده، اکثریت سازمان فدائیان، مائوئیستهای سه جهانی و تروتسکیستها به رژیم میپیوندند و در کنار این یا آن جناح رژیم سرکوبگر قرار میگیرند و نیروهای خط سه نظیر رزمندگان و پییکار دچار بحران میشوند و همانند کومه له، به بن بست میرسند. پوپولیسم در اشکال مختلف سترونی خود را آشکارا به همه نشان میدهد و راه را برای مارکسیسم انقلابی در کل جنبش چپ انقلابی در ایران باز میکند. سرکوب ۳۰ خرداد ۶۰ این روند را متوقف میکند و پروسه تشکیل حزب را برای مارکسیسم انقلابی مشکل تر و طولانی تر میکند،

اما نمیتواند راه پیشروی آنرا سد کند. این راه از کردستان، آنجا که هنوز اختناق و سرکوب مسلط نشده و انقلاب ادامه دارد، میگذرد.

در همین دوره اتحاد مبارزان کمونیست شروع به انتشار یک ارگان سیاسی به نام "کارگر کمونیست" میکند و اولین بار در شماره چهارم این نشریه نام منصور حکمت در مصاحبه ای در مورد ملزومات تشکیل حزب ظاهر میشود. مقالات و نوشته های وی تا این زمان، به شیوه رایج در حزب ایران، بدون نام منتشر شده اند. انتشار مقالات با امضای فرد نویسنده آنها یکی از نتایج نقد منصور حکمت به شیوه های عملی حزب سنتی است که رهبران آن همیشه بی نام و بیچهره بوده اند. منصور حکمت در سرمقاله نشریه بسوی سوسیالیسم (دوره اول) شماره ۵ در بهمن ۶۱ مینویسد این بی چهرگی مرسوم در جنبش حزب ایران نمیتواند شیوه کار حزب و جنبش ما باشد. او میگوید رهبران و متفکرین و نویسندگان جنبش ما باید در تشکیلات و جامعه شناخته شوند تا اصولا بتوان به خط فکری و سیاسی مشخص و قابل نقد و یا پذیرشی در جنبش و جامعه شکل داد. او رهبری از پشت درهای بسته را رد میکند و میگوید طبقه کارگر باید رهبران و ضد رهبران خود را بشناسد. این بحث در واقع جزئی از مبحث جامع و همه جانبه تر "حزب و شخصیت ها" است که منصور حکمت ۱۵ سال بعد در حزب کمونیست کارگری عنوان میکند.

تشکیل حزب کمونیست ایران

تحزب و تشکیل حزب امریست که منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست از همان آغاز فعالیت خود بر ضرورت آن واقف است و بر آن پای میفشارد. در دستگاه فکری حزب غیر کارگری تشکیل حزب مانند بسیاری از دیگر مقولات و مسائل عملی مارکسیستی به معضل لاینحلی تبدیل شده است. این حزب اصولا خواهان تشکیل حزب نیست و

تئوریهایش در واقع نظراتی در توجیه اینست که چرا در هر شرایطی نمیشود و نباید حزب ساخت. اما برای اتحاد مبارزان کمونیست تشکیل حزب امری عاجل و فوری است.

در پائیز ۱۳۶۱ کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست در مناطق آزاد کردستان تشکیل میشود. در این کنگره منصور حکمت نقد پوپولیسم را بعرضه عمل و سبک کار بسط میدهد و رئوس و مبانی سبک کار کمونیستی را روشن میکند. این در واقع جهت گیری عملی اتحاد مبارزان کمونیست به سمت

این یک اقدام تاریخی و یک نقطه عطف تعیین کننده در تاریخ حزب ایران است. طبقه کارگر ایران برای اولین بار به حزبی مسلح میشود که اهداف و برنامه مستقل او را نمایندگی میکند و سوسیالیسم هدف فوری اوست. بطور مشخص و در شرایط ویژه ای که حزب در آن تشکیل میشود نیز این برای مارکسیسم انقلابی و کل جنبش حزب یک گام بلند بجلو است. در شرایطی که سرکوب وحشیانه انقلابیون پس از ۳۰ خرداد ۶۰ عرصه را بر کمونیستها در شهرهای ایران تنگ کرده و افق تیره و تاری را در برابر آنان قرار داده است،

مارکسیسم انقلابی به فارسی و در برخورد به انقلاب ایران مینویسد، اما مارکس را به تاریخ معاصر جهان باز میگرداند. موضع، متد و محتوای نقد منصور حکمت مستقل از موضوعات مورد بحثش نظرات او را جهانی میکند.

مارکسیسم انقلابی ایران نه تنها به هزیمت نیافتد، ساکت نمیشود و عقب نشینی نمیکند، بلکه با تشکیل حزب در کردستان، منطقیه ای که انقلاب هنوز در آن ادامه دارد، دست به تعرض میزند و عرصه وسیعی برای مبارزه بروی خود باز میکند.

نفس تشکیل حزب و خبر ایجاد آن موجی از امید و دلگرمی و

تشکیل حزب است. در همین دوره منصور حکمت پیش نویس برنامه حزب را مینویسد که به تصویب دو سازمان اتحاد مبارزان کمونیست و کومه له میرسد.

در سمیناری که در زمستان ۶۱ در کردستان، تحت نام "سمینار شمال"، تشکیل میشود منصور حکمت تزهایش در مورد تئوری حزب و راه مشخص ایجاد آن در شرایط مشخص حزب ایران را اعلام میکند.

وی در این ترها نظرات حزب سنتی، نظیر تئوری پیوند را، نقد میکند، حزب کمونیست را مظهر استقلال همه جانبه طبقه کارگر در تئوری و سیاست و پراتیک تعریف میکند، و اعلام میکند مارکسیسم انقلابی میتواند و باید حزب را در دستور کار فوری خود بگذارد. حزب کمونیست ایران بر این اساس و با این چشم انداز تشکیل میشود.

در شهریور ماه ۱۳۶۲، اتحاد مبارزان کمونیست، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) و افراد و فراکسیونهای مارکسیسم انقلابی از دیگر سازمانها، حزب کمونیست ایران را تشکیل میدهند.

در حزب کمونیست ایران منصور حکمت در هر زمینه ای، از مبارزه نظامی و سیاسی گرفته تا تبلیغات و رابطه با نیروها و احزاب ناسیونالیست حرفهائی تازه و راهگشا دارد. از مبارزه در شهرها و سازماندهی کارگران تا تعریف اهداف و مراحل مبارزه مسلحانه در مناطق روستائی، و از سازماندهی نیروهای پیشمرگ تا گشت های سیاسی و نظامی و تا ضرورت و نحوه ارتقای زندگی روستائیان در مناطق آزاد، و تا حقوق برابر زنان در تشکیلات و سازمان دادن زنان در نیروهای پیشمرگ، مضمون قطعنامه ها و نقشه عملیاتی است که منصور حکمت مطرح میکند و در دستور حزب میگنارد. در بیانیه ای با عنوان "حقوق پایه ای زحمتکشان در کردستان" منصور حکمت رئوس خواستها و مطالبات حقوقی و رفاهی مردم در کردستان را اعلام میکند. انتشار این بیانیه در عین حال یک گام دیگر در نقد عملی سنتهای ناسیونالیستی مبارزه در کردستان است. سنتهایی که حقوق و مطالبات مردم هیچ جایگاهی در آن ندارد.

نکته ای که شاید برای خوانندگان آثار منصور حکمت کمتر روشن باشد نقش برجسته و تعیین کننده وی در عرصه مبارزه نظامی است. منصور حکمت با تیزبینی و روشن نگری ویژه خودش سنتهای

او یک انقلابی آرمان گرا و پیگیر و سازش ناپذیر است که میخواهد جامعه سرمایه داری را از پایه زیر و رو کند و بشریت را در تمام وجوه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی رها و آزاد سازد، و در همانحال پراتیسیسین و رهبر عملی است که قدر و اهمیت کوچکترین تغییر و بهبود در زندگی انسانها را میداند و برای تحقق آن مبارزه میکند.

ناسیونالیستی مبارزه نظامی در کردستان را عمیقا نقد میکند و استراتژی جنگ مسلحانه در کردستان را در کنار سازماندهی و رهبری مبارزه کارگران کردستان در شهرها و بعنوان بخشی از مبارزه کل حزب تعریف و تبیین میکند. او نیروی پیشمرگ را بازوی نظامی جنبش کارگری در کردستان میشناسد و میشناساند. نظرات منصور حکمت در عرصه مبارزه

نظامی در موارد متعددی که شیوه های سنتی مبارزه به بن بست میرسند راهگشا و کارساز است. یکی از این موارد رهنمودهای نظامی وی در کنگره ۵ کومه له در سال ۶۴ است، که در شرایطی که عرصه مبارزه مسلحانه بشدت محدود شده و شیوه های سنتی مبارزه نظامی راهی بجز ماجراجویی و یا پاسیفیسیم ندارد، تاکتیک نظامی عملی، واقع بینانه و پیشرویی را در برابر کومه له قرار میدهد.

بعد دیگری از شخصیت منصور حکمت که باز از نوشته های او نمیتوان دریافت روش و منش عمیقا انسانی و پیشرو اوست. شرایط علنی مبارزه در کردستان امکان میدهد که تعداد زیادی از اعضا و پیشمرگان منصور حکمت را از نزدیک ببینند و بشناسند. او که همه حتی پس از انتخاب نام منصور حکمت، همچنان با اسم خودمانی نادر و یا کاک نادر خطابش میکنند بسیار بی تکلف و راحت و صمیمی است. بشدت از تعارف و تکریم و القاب و سلسله مراتب بیزار است. با وجود قابلیتهای متعدد استثنائیش، ذره ای تکبر و خود بزرگ بینی در وجود او نیست. خود را با همه برابر میداند و با همه برابر رفتار میکند. شوخ طبع و بذله گوشت، با همه براحتی دوست میشود و شوخی میکند. در جلسات و

نشست ها صریح و روشن و از موضعی کاملا برابر بحث میکند. خود را نه معلم کسی میداند و نه پدر و برادر بزرگتر کسی. و دقیقاً بهمین دلیل با کسی تعارف ندارد، صریح اللهجه است و به کسی در بحث تخفیف نمیدهد. در بحث با او یا باید قانع شد و یا قانع کرد. به فکر همه و نگران وضع همه است. از وضع زندگی مردم آبادی تا ایجاد مهد کودک

در اردوگاهها و مقرهای کومه له و تا وضع پوشاک و بهداشت پیشمرگان و موقعیت زنان در تشکیلات، به همه چیز فکر میکند و برای هر مساله ای راه حل دارد. احترام به زندگی و به انسان جزئی از وجود اوست و این هم در منش و خصوصیات شخصی اش و هم در مواضع و نظرات سیاسی اش بروشنی خود را نشان میدهد.

در سازمان کردستان حزب آغاز میشود. ناسیونالیسم قدم بقدم در تبلیغات، در نقد مذهب و اخلاقیات عقب مانده، در رابطه با موقعیت زنان، کار در میان مردم و نقد و تغییر سنتهای مبارزه پیشمرگانه تی عقب مینشیند. اما ناسیونالیسم در خارج صفوف حزب نمیتواند این تحولات را در جنبشی که سنتا به او متعلق بوده است تحمل کند. تبلیغات کمونیستی کومه له برای این حزب بیش از حد تند و "توهین به مقدسات" محسوب میشود. گسترش نفوذ کومه له کمونیست در جامعه کردستان برای حزب دموکرات

با اهداف و افقهای طبقاتی متفاوت است و نقد به ناسیونالیسم بر سر نظرات و سیاستها و یا حتی سنن و شیوه های عملی نیست. جنبش ناسیونالیستی را نمیشود به مارکسیسم قانع کرد.

طبیعی است که این مباحث به مذاق گرایش ناسیونالیستی کومه له که مارکسیسم انقلابی و تشکیل حزب را عمدتا در سکوت تحمل کرده است بهیچوجه خوش نمی آید. ناسیونالیسم در کومه له زبان باز میکند و دست به مقاومت میزند. منصور حکمت، که در این زمان به همراه مرکزیت حزب در

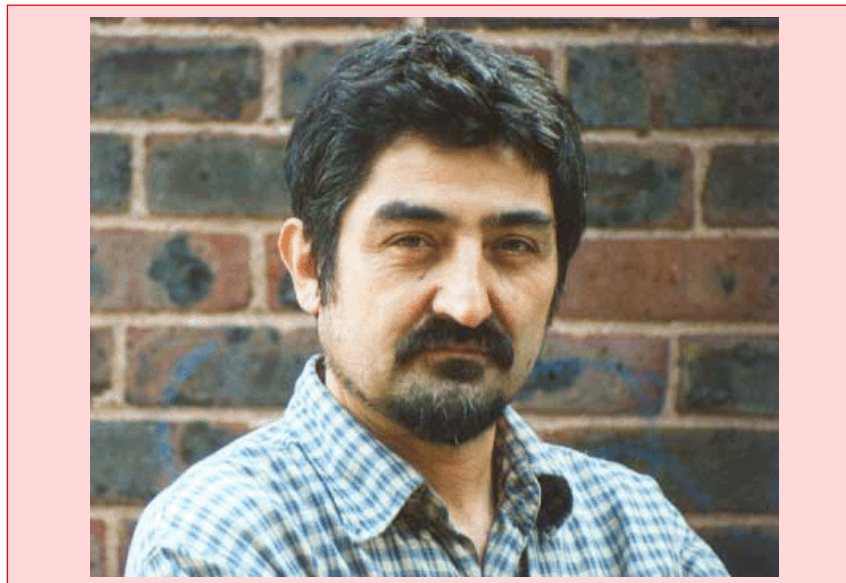
در تاریخ ایران کمونیسم چنان شفاف و رادیکال ظاهر شده که حتی بورژوازی در اپوزیسیون نیز نمیتواند آنرا تحمل کند. جنگ پس از سه سال و بعد از آنکه بر حزب دموکرات معلوم میشود که قادر به شکست دادن کومه له و حتی ایجاد محدودیت بر سیاستهای کمونیستی آن نیست به ابتکار و بر اساس طرح منصور حکمت بطور یکجانبه از طرف کومه له قطع میشود. سازمان کردستان حزب در اولین در گیری نظامی اش با بورژوازی بومی سربلند بیرون آمده است.

ترین شیوه ها تلاش میکنند در برابر این نظرات مقاومت کنند. اکثریت بالائی از اعضا و کادرهای حزب به فراکسیون کمونیسم کارگری میپیوندند و در نهایت در پلنوم شانزدهم حزب در ۱۹۸۹ رهبری گرایش ناسیونالیستی در مرکزیت کومه له شکست را میپذیرد، رسماً از خود انتقاد میکند و پلنوم به اتفاق آرا منصور حکمت را به عضویت در دفتر سیاسی و دبیری کمیته مرکزی حزب انتخاب میکند.

مساله در سطح تشکیلاتی کاملاً به نفع کمونیسم کارگری حل میشود، اما منصور حکمت میداند که از نظر سیاسی و اجتماعی مشکل بر جای خود باقی است. او میخواهد حزب کمونیست ایران بخش متشکل جنبش کمونیسم کارگری باشد و یا آنطور که خود میگوید، یک حزب یک بنی باشد و میدانند که حزب او اینطور نیست. ناسیونالیسم سپر انداخته و دوباره ساکت شده است اما به حیات خود در حزب ادامه میدهد. جنگ خلیج شرایط اوجگیری مجدد ناسیونالیسم را فراهم میکند. آمریکا و متحدین غربی اش به عراق حمله میکنند و نیروهای ناسیونالیست کرد فرصت را برای نزدیکی به آمریکا در برابر رژیم صدام مناسب میبینند.

ناسیونالیستهای کومه له نیز برای نزدیکی به همتاهای عراقیشان به جنب و جوش می افتند و عبدالله مهتدی از مرکزیت حزب طرح قطعنامه ای را در حمایت و اعلام همبستگی با ناسیونالیستهای کرد عراقی و مشخصاً اتحادیه میهنی، به دفتر سیاسی میآورد. منصور حکمت در نوشته ای بروشنی ماهیت ناسیونالیستی و ضد کارگری این قطعنامه را افشا میکند و مجدداً بحث بین ناسیونالیستها و کمونیسم کارگری، این بار بر سر مساله جنگ خلیج بالا میگیرد.

اسناد مباحث این دوره که در مجموعه اسناد جنگ خلیج علناً منتشر شده، و بویژه نوشته مفصل منصور حکمت با عنوان "فقط دو گام به پس"، تصویر روشنی از



کمونیسم کارگری و ناسیونالیسم کرد

قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران، کومه له نه تنها نقد عمیقی به ناسیونالیسم کرد ندارد بلکه اساساً بر مبنای سنتهای جنبش ناسیونالیستی در کردستان عمل میکند. کومه له پوپولیست در واقع بخش چپ جنبشی است که حزب دموکرات بخش راست آنرا تشکیل میدهد. در مبارزه نظامی، در پراتیک سیاسی و فعالیت در مناطق آزاد و برخورد به روستائیان، در برخورد به مذهب و مساله فرودستی زنان و حتی در مناسبات تشکیلاتی، کومه له به سنتهای کاملاً عقب مانده ناسیونالیستی آلوده است. منصور حکمت از همان ابتدا و حتی قبل از تشکیل حزب منتقد پیگیر تمام این عقب ماندگی هاست.

با تشکیل حزب مبارزه با سنتهای عقب مانده و اساساً ناسیونالیستی

اروپا بسر میبرد، به شکل شفاهی و کتبی نظرات خود را توضیح میدهد و در تشکیلات منتشر میکند.

بخشی از کادرها و رهبران کومه له با غیر اصولی ترین شیوه ها حمله به منصور حکمت و نظرات او را شروع میکنند. بحث های حادی در تشکیلات در میگیرد. گرچه ناسیونالیستها در اقلیت اند اما منصور حکمت، از آنجا که نمیخواهد اتوریتته و مکان تشکیلاتیش هیچ نقشی در اشاعه نظراتش ایفا کند، از کمیته اجرائی کناره میگیرد و کانون و فراکسیون کمونیسم کارگری را در حزب تشکیل میدهد. او نظراتش را مفصلاً مینویسد و در سمینارهای تشکیلاتی توضیح میدهد، و در مقابل، ناسیونالیستها با عقب مانده

با این همه در سیستم نظری مارکسیسم انقلابی نقد ناسیونالیسم نمیتواند از حیطه نظرات و سیاستها و در نهایت شیوه های عملی و سبک کار چندان فراتر برود. گرچه برای رهبری کومه له که اساساً در بن بست دیدگاه های پوپولیستی اش به مارکسیسم انقلابی روی آورده پذیرش حتی همین حد از نقد مارکسیسم انقلابی به ناسیونالیسم مشکل است و تندروی و زیاده روی محسوب میشود؛ برای منصور حکمت برعکس، این نقد با اندازه کافی عمیق و رادیکال و همه جانبه نیست. وی با بحث های کمونیسم کارگری این عمق و جامعیت را به نقد و تحلیل مارکسیستی از جنبش های اجتماعی و از جمله ناسیونالیسم بازمیگرداند. او میگوید تفاوت و اختلاف، میان جنبشهای اجتماعی

خطری جدی است. در تابستان سال ۶۳ حزب دموکرات به پیشمرگان کومه له در منطقه اورامان حمله میکند و جنگ بین کومه له و حزب دموکرات آغاز میشود و بیش از سه سال بطول می انجامد.

برای ناسیونالیستهای درون صفوف کومه له این مبارزه ای بین دو نیروی رقیب در دل جنبش ملی محسوب میشود. اما حقیقت آنست که حزب دموکرات نمیتواند کومه له را بعنوان سازمان کردستان حزب کمونیست و مبلغ ایده های کمونیستی در میان مردم تحمل کند و منصور حکمت با همین تحلیل جنگ را تبیین میکند. او این جنگ را مبارزه میان پرولتاریا و بورژوازی کرد بر سر آزادی تبلیغات و فعالیتهای کمونیستی میداند. در واقع برای اولین بار

سیر مباحث این دوره ترسیم میکند و علاوه بر صحت و استحکام و انسجام نظری مواضع منصور حکمت، بروشنی درایت و بصیرت سیاسی وی و همچنین اصول و پرنسپهای بالای اخلاقی او را در بحث و پلمیک سیاسی با مخالفینش در حزب به نمایش میگذارد. در جریان این مباحث برای منصور حکمت مسجل میشود که حزب موجود یک حزب یکپارچه کارگری نیست و وجود گرایش قوی ناسیونالیسم کرد در آن، هر چند هم که به او و جریان کمونیستی در حزب تمکین کرده باشد، یک مانع جدی در راه یکپارچه شدن واقعی حزب حول مثنی کمونیسم کارگری است. او در قبال این مساله تصمیم جسورانه و کاملاً بدیع و بیسابقه ای میگیرد. او از حزب، حزبی که اکثریت کمیته مرکزی، کادرها و اعضایش نظرات او را پذیرفته اند و او را رهبر خود میدانند و حتی ناسیونالیستهای مخالف اش از لحاظ تشکیلاتی به او اقتدا میکنند، استعفا میدهد. آینده نشان میدهد که این استعفا از موضع قدرت، که برای رفقای نزدیک وی نیز عجیب و غیرقابل توضیح به نظر میرسد، اصولی ترین و کم دردسر ترین راه برای انسجام و پیشروی کمونیسم کارگری است.

تشکیل حزب

کمونیست کارگری

با استعفای منصور حکمت از حزب اکثر اعضای رهبری، کادرها و اعضای حزب که طرفدار نظرات منصور حکمت هستند از حزب استعفا میدهند و به حزب کمونیست کارگری که او باتفاق اعضای کانون کمونیسم کارگری فراخوانش را میدهد می پیوندند.

منصور حکمت بقول خودش فقط با قلمش از حزبی که رهبر آنست میروید و نام و امکانات حزب را برای آنان که باقیمانده اند بجا میگذارد. بر اساس تمام موازین و اصول سیاسی و اساسنامه ای این حق خط کمونیسم کارگری است که در حزب بماند و جریان ناسیونالیستی را تصفیه کند.

منصور حکمت از این حق میگذرد تا هر نوع جار و جنجال و سوء استفاده ناسیونالیسم کرد را از پیش خنثی کرده باشد. او فراتر از حقوق و اصول تشکیلاتی را میبیند. او میداند که در دنیای بعد از شوروی و با عروج ناسیونالیسم در منطقه و در کل جهان، هژمونی نظری و سیاسی کمونیسم کارگری در حزب و اکثریت را با خود داشتن کافی نیست. او میداند که در زیر یورش ارتجاع جهانی به کمونیسم، کمونیسم کارگری در موقعیتی نیست که بدون اصطکاک و برخورد با مخالفین ناسیونالیستش در کومه له، که در یک تشکیلات مسلح میتواند

به درگیری نظامی منجر شود، ناسیونالیسم را از صفوفش پاک کند. او بسادگی فقط خود استعفا میدهد و حتی طرفدارانش را به استعفا فرا نمیخواند. پیروان نظرات او به تبعیت از او خود یک به یک استعفا میدهند و به حزب کمونیست کارگری میپیوندند. این متدنه ترین و کم مشقت ترین راه جدا کردن کمونیسم کارگری از ناسیونالیسم کرد است. کادری که رهبری بجا مانده در حزب کمونیست به منصور حکمت میگویند که خط وی را ادامه خواهند داد و وی برای آنان آرزوی موفقیت میکند. چنین جدائی ای در تاریخ جنبش چپ و تاریخ احزاب علی العموم در سطح جهان بیسابقه است.

دو سال پس از تشکیل حزب کمونیست کارگری در ایران حزب کمونیست کارگری عراق نیز تشکیل میشود. نوشته های منصور حکمت از مدتها قبل به کردی و عربی ترجمه شده و در جنبش چپ عراق نفوذ پیدا کرده است. صدها نفر از رهبران و فعالین چپ در کردستان عراق بمنظور مطالعه آثار حکمت

زبان فارسی میآموزند. بویژه تحلیل منصور حکمت از جنگ خلیج و موضعگیریش در مقابل این جنگ در چپ عراق با استقبال مواجه میشود. حزب کمونیست کارگری عراق حاصل و نتیجه این رشد و نفوذ اجتماعی نظرات منصور حکمت در کردستان عراق است. این تنها حزبی است که در منطقه در برابر ارتجاع احزاب ناسیونالیست کرد که در ادامه جنگ خلیج در کردستان کاربرد شده اند می ایستد و با نفوذ مذهب و اخلاقیات عقب مانده در جامعه مقابله میکند. منصور حکمت منظم با رهبری این حزب در تماس است و اعضای از رهبری حزب کمونیست کارگری

ایران و عراق به عضویت کمیته مرکزی در هر دو حزب انتخاب میشوند.

حزب کمونیست کارگری پس از یک دوره جدال سیاسی و نظری با ناسیونالیسم کرد تشکیل میشود، اما کمونیسم کارگری آنتی تز ناسیونالیسم نیست، و اهمیت تشکیل حزب کمونیست کارگری نیز در تفوق آن بر ناسیونالیسم کرد نیست. کمونیسم کارگری در تقابل کامل با کمونیسم های موجود در سطح جهانی اعلام موجودیت میکند و اساساً جنبش نوع دیگری است. منصور حکمت در واقع کمونیسم مارکس را در تمایز از جنبشهای طبقات دیگر که آنان نیز به مارکس متوسل شده اند، تبیین و نمایندگی میکند. و این نقطه عطفی در تاریخ کمونیسم معاصر در سطح جهان است.

کمونیسم کارگری در تمایز از کمونیسمهای موجود

کمونیسم کارگری بر این تز پایه ای مبتنی است که کمونیسم صرفاً

یک سیستم نظری و یا حتی حزب و مبارزه حزبی نیست. بلکه قبل از هر چیز یک جنبش اجتماعی است، جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه داری است که مستقل و پیش از مارکسیسم و مبارزه حزبی در جامعه وجود داشته و همواره وجود دارد. کمونیسم کارگری در نقد و بررسی تئوریهها و احزاب و سازمانها به جنبشهای اجتماعی آنان رجوع میکند و تمایزات و اختلافات آنان را بر این مبنا توضیح میدهد. بر این مبنا آنچه بعنوان مثال از نقطه نظر مارکسیسم انقلابی انحراف در تئوری و یا تجدید نظر در مارکسیسم شناخته میشد از دید کمونیسم

در ۱۱ سپتامبر تروریسم ناتو و اسلام سیاسی دست پرورده او در برابر هم قرار میگیرند و در برخورد به این واقعه تنها خط و موضع منصور حکمت که همیشه منتقد و افشاگر نظم نوین جهانی از یکسو و منتقد پیگیر اسلام سیاسی از سوی دیگر بوده است، میتواند فریاد اعتراض بشریتی باشد که در منگنه این دو اوتجاع گرفتار آمده است. بدون این پرچم سوم دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر دنیای تیره تری میبود.

کارگری بروشنی دست اندازی جنبشهای اجتماعی دیگر به مارکسیسم است. بحث بر سر بدفهمی و نافهمی تئوریک و اختلافات نظری در کمپ مارکسیسم نیست بلکه اختلاف میان جنبشهای اجتماعی کاملاً متفاوت و افقها و اهداف اجتماعی و سیاسی متمایز است. در دیدگاه کمونیسم کارگری که در یکی از عمیق ترین و جامع ترین نوشته های منصور حکمت، "تفاوتهای ما" به تفصیل توضیح داده شده، آنچه سنتا انحراف در مارکسیسم نامیده میشود، از مائوئیسم و کمونیسم روسی گرفته تا سوسیال دموکراسی و چپ نو در اروپا، بعنوان جنبش های اجتماعی غیر کارگری مورد نقد قرار میگیرد. پوپولیسم ایران نیز نه بعنوان انحرافات در جنبش کارگری، بلکه بخش چپ جنبش ناسیونال رفرمیستی در ایران ارزیابی میشود. در نوشته آتانومی لیبرالیسم چپ، که یکی از تحلیلهای درخشان منصور حکمت از انقلاب و تئوری مارکسیستی انقلاب است، وی نظرات سازمان وحدت کمونیستی را بعنوان بخش چپ

جبهه ملی ایران نقد میکند. وی بعداً در ارزیابی از نیروهای سیاسی در ایران نیز همین متد را بکار میبرد. اما کاربرد درخشان تئوریهای کمونیسم کارگری تحلیل شوروی و تجربه انقلاب اکتبر است که بصورت سلسله بحث هائی در بولتن های مارکسیسم و مساله شوروی در سالهای ۸۸-۱۹۸۶ منتشر میشود. مارکسیسم انقلابی برای این مساله پایه ای چپ جهانی پاسخ تئوریک نداشت و نمیتوانست داشته باشد. در سطح جهانی نیز جریانات منتقد شوروی، اعم از تروتسکیسم، مائوئیسم و چپ نو هیچیک پاسخ روشنی برای این مساله نداشتند. منصور حکمت در بحث های عمیق و همه جانبه اش در بولتن های شوروی علت شکست انقلاب اکتبر را در تحلیل نهائی شکست جنبش کارگری و بلشویکها از جنبش ناسیونال رفرمیسم روس که خواهان صنعتی کردن روسیه است ارزیابی میکند. ناسیونالیسم عظمت طلب روس که او نیز بخاطر عقب ماندگیهای سرمایه داری روسیه به تزاریسیم معترض است نهایتاً در اواخر دهه بیست میتواند بر بلشویسم غلبه کند، حزب و دولت تازه شکل گرفته پرولتاریای روسیه را بدست بگیرد و تحت نام سوسیالیسم سرمایه داری دولتی را سازمان بدهد. نظرات منصور حکمت در نقد شوروی روشن ترین، منسجم ترین و عمیق ترین نقدی است که در تحلیل انقلاب اکتبر و شوروی در جنبش چپ جهانی ارائه شده است. مبتنی بر همین نقد است که کمونیسم کارگری پس از اضمحلال شوروی میتواند سر بلند بایستد و دنیای یک قطبی پس از جنگ سرد را به مصاف بطلبد. منصور حکمت خود میگوید کمونیسم کارگری چیزی بجز کمونیسم مارکس در شرایط امروز نیست. نظریه پرداز و پرچمدار مارکسیسم عصر ما، جهانی را برای نقد و تغییر در مقابل خود دارد.

اهمیت و جایگاه جهانی تشکیل حزب کمونیست کارگری

حزب کمونیست کارگری، در ادامه پلمیکها و مباحث مفصل منصور

حکمت در توضیح و تشریح کمونیسم کارگری و بدنبال استعفای وی و طرفداران نظراتش از حزب کمونیست، در پائیز سال ۱۹۹۱ اعلام موجودیت میکند. تشکیل حزب کمونیست کارگری پاسخی است به نیازهای جنبش مستقل کارگری و ضرورت تحزب بخشیدن به این جنبش، در تمایز از کمونیستها و احزاب چپ موجود که در واقع جنبشهای اجتماعی دیگری را نمایندگی میکنند. شرایط و مقطع زمانی تشکیل حزب نیز همین واقعیت را منعکس میکند. حزب کمونیست کارگری در

صدها نفر از رهبران و فعالین چپ در کردستان عراق بمنظور مطالعه آثار حکمت زبان فارسی میآموزند. بویژه تحلیل منصور حکمت از جنگ خلیج و موضعگیری در مقابل این جنگ در چپ عراق با استقبال مواجه میشود. حزب کمونیست کارگری عراق حاصل و نتیجه این رشد و نفوذ اجتماعی نظرات منصور حکمت در کردستان عراق است.

شرایطی اعلام موجودیت میکند که در سطح جهان احزاب و نیروهای کمونیست موجود در حال هزیمت اند. چپ غیر کارگری بهمراه دیوار برلین فرو ریخته است و بورژوازی بخیال خود پایان مارکسیسم را جشن گرفته است. احزاب کمونیست پرو شوروی و یا منتقد شوروی یا منحل میشوند و یا اسم و رسم خود را عوض میکنند؛ اقتصاد بازار و توحش سرمایه داری یکه تاز میدان میشود و هر نوع ایده و آرمان انسانی و برابری طلبانه به همراه مجسمه لنین بپاک کشیده میشود. در این شرایط منصور حکمت حزبی را تاسیس میکند که نه تنها از آرمان سوسیالیسم و ایده های انسانی مارکس دست نشسته بلکه با شفافیت و خلوص بیسابقه ای در تاریخ چپ معاصر جهان صحت و حقایق مارکسیسم را نشان میدهد و بر آن پای

میافشد. حزب کمونیست ایران پاسخ منصور حکمت به یورش جمهوری اسلامی بود و حزب کمونیست کارگری پاسخ اوست به یورش سرمایه داری جهانی به

جهانی" که به انگلیسی نوشته شده و به تحلیل جنگ خلیج و جایگاه آن در تثبیت نظم نوین جهانی میپردازد، سری مقالاتش در انترناسیونال در نقد دموکراسی، ناسیونالیسم و اسلام سیاسی و بالاخره تحلیل و موضع وی در مورد واقعه ۱۱ سپتامبر و دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر، بیانیه و کيفرخواست کمونیسم کارگری بر علیه دنیای سیاه پس از جنگ سرد است. منصور حکمت در تفاوتهای ما اعلام میکند که کمونیسم باید از پلیک با خود خلاص شود و به جنگ ایده های بورژوازی در سطح جامعه برود. او میگوید باید مانند مارکس متفکرین بورژوازی را بر روی تناقضاتشان خرد کرد. و او خود چنین میکند. مقاله "دموکراسی تعابیر و واقعیات" و "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" نمونه های درخشانی از این بازگشت به مارکس در عرصه مبارزه نظری است. اما این صرفا تکرار و احیای مارکس نیست، بلکه بسط و تعمیق آن در برخورد به مسایل متفاوت دنیای آخر قرن بیست و آغاز قرن بیست و یک است.

آخرین نوشته منصور حکمت، مقالات او در مورد ۱۱ سپتامبر که در چهار شماره انترناسیونال منتشر میشود، در واقع پرچم دنیای متمدن در مقابل تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب هر دو است. در ۱۱ سپتامبر تروریسم ناتو و اسلام سیاسی دست پرورده او در برابر هم قرار میگیرند و در برخورد به این واقعه تنها خط و موضع منصور حکمت که همیشه منتقد و افشاگر نظم نوین جهانی از یکسو و منتقد پیگیر اسلام سیاسی از سوی دیگر بوده است، میتواند فریاد اعتراض بشریتی باشد که در منگنه این دو اوتجاع گرفتار آمده است. بدون این پرچم سوم دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر دنیای تیره تری میبود.

منصور حکمت با قلمش، با نظرات عمیق انسانی و رادیکالش و با حزب اش به جنگ این دنیای سیاه میروید. نوشته های او در این دوره، "طلوع خونین نظم نوین

پیش میبرد. نیروی فعال این مبارزه تشکیلات حزب کمونیست کارگری در خارج کشور، و کمپین ها و ارگانهای مختلفی است که بطور مستقیم و غیرمستقیم بوسیله حزب در کشورهای متعددی سازمان داده میشود. دفاع از حقوق زنان و پناهندگان، مقابله با راسیسم، و دفاع از حقوق کودکان در قلب اروپای غربی و در شرایطی که دولتها حمله وسیعی را به حقوق پایه ای مهاجرین و پناهندگان آغاز کرده اند، مقابله با اسلام سیاسی و رشد و نفوذ مذهب در جوامع غربی، مقابله با ترنسیت فرهنگی و افشای ماهیت ضدانسانی و ارتجاعی آن، و در یک کلام باز کردن جبهه های نبرد در هر عرصه ای که نظم نوین جهانی به حقوق و حرمت انسانها حمله برده است، همه جزء تعطیل ناپذیر مبارزه حزب کمونیست کارگری است. مبارزه ای با این ابعاد نه تنها در تاریخ چپ ایران بلکه چپ جهانی بی سابقه است. حزب کمونیست کارگری، در هر کشوری که عضو و تشکیلات دارد، حزبی فعال و دخالتگر در جامعه و محیط اطراف خود است. و این کاملا در مقابل سنتهای چپ موجود، چه در ایران و چه در جهان، قرار میگیرد که منتهای رادیکالیسمشان مبارزه علیه رژیم و دولت کشور خود در تبعید بوده است. نوع مبارزه ای که مثلا کنفدراسیون دانشجویی در زمان

حکمت یک جریان تبعیدی که صرفا علیه دولت خودی مبارزه میکند نیست. جنبشی است که در همه ابعاد در مقابل ارتجاع و عقب ماندگی میایستد و هر جا که میتواند زندگی مردم را ارتقا میدهد. کمونیسم کارگری حتی در اپوزیسیون و در تبعید یک حزب منشاء اثر در جامعه و در زندگی مردم است. و این خصلت منحصر بفردی است که رهبر منحصر بفرد حزب به آن بخشیده است.

کمونیسم کارگری

در عرصه سیاست ایران

در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و جناحهای آن و نیروهای طرفدارش در اپوزیسیون، منصور حکمت نماینده و مظهر رهائی و آزادی است. نقد عمیق و تیز و ریشه ای او از اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی و جناحهای آن، و تحلیل عمیقش از ماهیت و نقش و جایگاه نیروهای دو خردادی در اپوزیسیون نه تنها راه مبارزه را برای حزب و فعالین حزبی روشن میکند بلکه به پرچم و نقطه امید همه انسانهای شریفی که قلبشان برای انسانیت و آزادی و رهایی میتپد تبدیل میشود. نوشته های سیاسی او در این دوره که در انترناسیونال منتشر میشود، مقالاتی نظیر "بحران آخر"، "روایهای ممنوع مجاهد"، "حجاب گیت راه کارگر"، "تاریخ شکست نخوردگان"، "آل احمدهای

نظرات منصور حکمت در نقد شوروی روشن ترین، منسجم ترین و عمیق ترین نقدی است که در تحلیل انقلاب اکتبر و شوروی در جنبش چپ جهانی ارائه شده است. مبتنی بر همین نقد است که کمونیسم کارگری پس از اضمحلال شوروی میتواند سر بلند بایستد و دنیای یک قطبی پس از جنگ سرد را به مصاف بطلبد.

شاه داشت، و یا چپهای آفریقای جنوبی و سازمان آ. ان. س. علیه آپارتاید پیش میبردند، و یا شیوه ای که همین امروز روش کار نیروهای اپوزیسیون رژیم ایران، حتی سرنگونی طلبایشان، در خارج کشور است. اینها سنت کمونیسم کارگری نیست. کمونیسم منصور

پلاستیکی" و ده ها نوشته نظیر آن حزب کمونیست کارگری را به تنها تربیون سکولاریسم و مرنیسم و انسانیت و آزادیخواهی و به پرچم و سخنگوی واقعی جنبش سرنگونی که در جامعه ایران شکل گرفته است تبدیل میکند.



غرب، جنبش ملی مذهبی که در شرایط حاضر دو خرداد بستر اصلی آنرا تشکیل میدهد و بالاخره جنبش چپ و کمونیستی که بوسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. این تحلیل مکان اجتماعی احزاب و سازمانهای سیاسی را بر اساس بستر اجتماعیشان و جنبشی که به آن متعلق اند بررسی میکند. منصور حکمت در تحلیلش، که نمونه برجسته ای از کاربرد بینش کمونیسم کارگری در برخورد به وضعیت سیاسی روز در ایران است، نشان میدهد که سازمانها و شخصیتهایی نظیر حزب توده و اکثریت و نهضت آزادی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و خاتمی و سروش و خلخالی و جباریان به یک جنبش و افق و هدف سیاسی متعلق اند و به همین عنوان هم باید نقد و افشا شوند. اهمیت این نوع نقد اجتماعی احزاب از شناخت و بررسی وضعیت سیاسی روز فراتر میرود و پرتو تازه ای بر تاریخ ۲۵ ساله اخیر ایران و کلا تاریخ احزاب و نیروهای سیاسی در ایران معاصر می افکند. نوشته "پرده آخر" و "تاریخ شکست نخوردگان" منصور حکمت که بر همین مبنا نوشته شده تحلیل عمیق و روشنی از صیفندی های سیاسی در ایران دو دهه اخیر بدست میدهد. بدون منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری چپ و انسانیت و آزادیخواهی چپ در سیاست ایران نمایندگی نمیشد و میدان تماما بدست حامیان رژیم فعلی و یا رژیم قبلی در ایران میافتاد. حزب منصور حکمت امروز یک نیروی اصلی در صحنه سیاست ایران و در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است.

از کنگره دوم حزب منصور حکمت مباحث جدید و راهگشایی را در مورد رابطه حزب با قدرت سیاسی و جایگاه حزب در جامعه مطرح میکنند. او میخواهد حزب را برای مردم ملموس و معرفی و دسترس کند، میخواهد کادرها و رهبران حزب به چهره های سرشناس سیاست ایران تبدیل شوند، میخواهد حزب را در مرکز سیاست ایران و در راس جنبش سرنگونی قرار بدهد. او در سخنرانش در کنگره سوم حزب میگوید برای ایجاد

مره ۲۵ سال فعالیت خستگی ناپذیر منصور حکمت در عرصه نظری و همچنین سازماندهی و رهبری سیاسی جنبشی که حول این نظرات شکل گرفت صدها مقاله و رساله تئوریک، تحلیلهای سیاسی، قطعهنامه های تاکتیکی و نقشه عمل های سازمانی، برنامه "یک دنیای بهتر"، صدها سخنرانی و سمینار، ده ها نهاد و ارگان و سازمان و نشریه در عرصه های مختلف مبارزه، و در راس همه دو حزب کمونیست کارگری در ایران و عراق است. این مبارزه عظیم سازمانیافته که از نظر ابعاد و گستردگی عرصه های عملی، و عمق و شفافیت تئوریک در تاریخ چپ ایران و جهان معاصر بیسابقه است، میراث عزیز و گرانبهای او برای همه مبارزین آزادی و رهایی انسان است.

تغییر در زندگی بخش وسیعی از مردم و به شکل پایدار باید قدرت سیاسی را تصرف کرد و تمام تلاش او در این دوره آنست که حزب را برای تصرف قدرت سیاسی آماده کند. مباحث او در این دوره در مورد "حزب و جامعه"، و "حزب و قدرت سیاسی" تماما بدیع و بیسابقه و تحول بخش اند. خلاقیت و نوآوری منصور حکمت پایان ناپذیر است.

نقد و افشای پیگیر خاتمی و خط دو خرداد از همان ابتدا و مقابله با تبلیغات و سیاستهای نیروهای اپوزیسیون دو خردادی در خارج کشور یک عرصه تعطیل ناپذیر مبارزه حزب در این دوره است. منصور حکمت در قطعهنامه "انتخاب خاتمی و عروج مجدد اپوزیسیون پرورژیم" و سری مقالات "پرده آخر" سه جنبش اجتماعی را در صحنه سیاست امروز ایران مشخص میکند. جنبش سلطنت طلب و یا ناسیونالیسم ایرانی پرو

حزب در این دوره عرصه های متعددی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی میگذراند که در طراحی و براه اندازی بسیاری از آنها منصور حکمت مستقیما دخیل است. مقابله با تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی برای تثبیت خود در خارج کشور و در نزد دولتها و افکار عمومی غرب که اوج آن

سازمان و نشریه در عرصه های مختلف مبارزه، و در راس همه دو حزب کمونیست کارگری در ایران و عراق است. این مبارزه عظیم سازمانیافته که از نظر ابعاد و گستردگی عرصه های عملی، و عمق و شفافیت تئوریک در تاریخ چپ ایران و جهان معاصر بیسابقه است، میراث عزیز و گرانبهای او برای همه مبارزین آزادی و رهایی انسان است.

زندگینامه ژوبین رازانی با در گذشت نابهنگام وی در ۴ ژوئیه ۲۰۰۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آدرس و شماره حساب انترناسیونال هفتگی

Bank Account: Z.I. Konto: 520 5164 008
Address: BM Box 8927
BLZ: 10090000 London
Beliner Volksbank WC1N 3XX
Germany England

میراث منصور حکمت

شمره ۲۵ سال فعالیت خستگی ناپذیر منصور حکمت در عرصه نظری و همچنین سازماندهی و رهبری سیاسی جنبشی که حول این نظرات شکل گرفت صدها مقاله و رساله تئوریک، تحلیلهای سیاسی، قطعهنامه های تاکتیکی و نقشه عمل های سازمانی، برنامه "یک دنیای بهتر"، صدها سخنرانی و سمینار، ده ها نهاد و ارگان و

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org